موضوع: حقیقت و حدود خاتمیت

حد و مرز خاتمیت

در جلسه قبل مساله نسبت میان شریعت و خاتمیت مطرح شد و این سوال بررسی شد که آیا شریعت نسبت به نبوت، عمومیت دارد و همه انبیاء الهی دارای شریعت آسمانی مستقل بوده اند یا شریعت نسبت به غیر نبوت مانعیت دارد و در این صورت با ختم نبوت، شریعت نیز ختم شده است؟

دیدگاه علامه طباطبایی در مورد نسبت دین و شریعت

در گفتار قبل مطالبی بیان شد از جمله بررسی شد که آیا نسبیت میان شریعت و دین مساوی است و هر جا دین بوده شریعت هم بوده است؟ علامه طباطبایی با استناد به دو دسته از آیات قرآن، شریعت را اخص از دین دانسته اند. آیه «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلام‏»[[1]](#footnote-1) و آیه «وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلامِ ديناً فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخاسِرين‏»[[2]](#footnote-2) دلالت بر فراگیری دین دارد به این معنا که همه انبیاء الهی و امت های آنها دارای دین اسلام بوده اند. و آیه «لِكُلٍّ جَعَلْنا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهاجا»[[3]](#footnote-3) و آیه «ثُمَّ جَعَلْناكَ عَلى‏ شَريعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْها»[[4]](#footnote-4) دلالت بر اخص بودن شریعت از دین دارد.

ارزیابی

اگر طبق روشی که مرحوم علامه در المیزان در پیش گرفته اند، بحث را دنبال کنیم به نتیجه دیگری غیر از آن آنچه ایشان رسیده اند می رسیم و آن این که دین در قرآن کریم کاربردهای مختلفی دارد. بر اساس برخی کاربردهای آن، دین اعم از شریعت و بر اساس برخی دیگر، دین مساوی شریعت است.

کاربردهای دین در قرآن و مقایسه آن با شریعت از این قرار است:

1. جزای اعمال: «مالِكِ يَوْمِ الدِّين‏»[[5]](#footnote-5) و «الَّذينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّين‏».[[6]](#footnote-6)

2. عبادت و پرستش: «لَكُمْ دينُكُمْ وَ لِيَ دين‏»[[7]](#footnote-7) و «قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّين‏»[[8]](#footnote-8) و «فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ».[[9]](#footnote-9)

3. تسلیم بودن در برابر خداوند: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلام‏»[[10]](#footnote-10). اسلام در این آیه به معنای شریعت اسلام نیست بلکه به معنای تسلیم بودن در برابر دستورات الهی است و در واقع شرایع الهی، راهکار تسلیم بودن در هر زمانی است. یا در آیه «يا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفى‏ لَكُمُ الدِّينَ فَلا تَمُوتُنَّ إِلاَّ وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُون‏»[[11]](#footnote-11)، کلمه اسلام به معنای تسلیم خدا بودن است. در آیه بعد نیز همین معنا برای کلمه مسلمون است: «إِلهاً واحِداً وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُون‏»[[12]](#footnote-12). آیه 131 نیز همین معنا را دارد: «إِذْ قالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعالَمينَ».

4. قوانین بشری: قرآن کریم در جریان حضرت یوسف (ع) می فرماید: «كَذلِكَ كِدْنا لِيُوسُفَ ما كانَ لِيَأْخُذَ أَخاهُ في‏ دينِ الْمَلِك‏».[[13]](#footnote-13)

5. دین به معنای شریعت: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ ما وَصَّى بِهِ نُوحاً وَ الَّذي أَوْحَيْنا إِلَيْكَ وَ ما وَصَّيْنا بِهِ إِبْراهيمَ وَ مُوسى‏ وَ عيسى‏ أَنْ أَقيمُوا الدِّينَ وَ لا تَتَفَرَّقُوا فيهِ».[[14]](#footnote-14) در آیه دیگری آمده است: «يا أَهْلَ الْكِتابِ لا تَغْلُوا في‏ دينِكُمْ وَ لا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلاَّ الْحَق‏».[[15]](#footnote-15) در آیه «هُوَ الَّذي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدى‏ وَ دينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُون‏»[[16]](#footnote-16)، مراد از دین حق، همان هدایت الهی یعنی اسلام است. آیه نفر نیز همین معنا را دارد : «وَ ما كانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّين‏»[[17]](#footnote-17). مراد از دین، آیین و شریعت اسلام است که شامل همه بخش های آن می شود. در آیه اکمال دین نیز، دین به معنای شریعت اسلام است: «ِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتي‏ وَ رَضيتُ لَكُمُ الْإِسْلامَ ديناً »[[18]](#footnote-18) و آیه «ْ وَ ما جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبيكُمْ إِبْراهيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمينَ مِنْ قَبْل‏»[[19]](#footnote-19) نیز همین گونه است و آیه به معنای صرف تسلیم بودن نیست، بلکه به معنای قالب و نوع تسلیم بودن است. آیه سوره نصر نیز به معنای شریعت اسلام است: «وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ في‏ دينِ اللَّهِ أَفْواجا».[[20]](#footnote-20)

بنابراین فرمایش علامه طباطبایی که دین را اعم از شریعت گرفته اند در برخی کاربردها درست اما در برخی دیگر درست نیست.

علامه طباطبایی در توجیه آیه 13 سوره شوری، که ظاهر آیه نشان می دهد دین مساوق با شریعت است گفته اند: این آیه منافاتی با اخص بودن شریعت از دین ندارد، زیرا آیه در مقام بیان این است که شریعت اسلام، همه مزایایی شرایع قبلی را دارد و خودش نیز امتیاز ویژه ای دارد. [[21]](#footnote-21)

این بیان اشکال را برطرف نمی کند، زیرا بالاخره دین در این آیه به معنای شریعت مصطلح است. بله دین اسلام مزایای ادیان قبلی را دارد اما این مساله منافاتی ندارد که دین به معنای شریعت بوده باشد.

مرحوم علامه معتقد هستند که شرایع الهی همین پنج شریعتی بوده اند که در این آیه آمده است، زیرا آیه در مقام مقایسه اسلام و شرایع دیگر است. اما این استدلال نیز تمام نیست، زیرا ذکر این چند شریعت به خاطر تناسب بیشتر آنها با شریعت اسلام است.

اما دلیل بر اینکه قبل از حضرت نوح (ع) شریعت بوده، همان است که در جلسات قبل بیان شد. در آن جا بیان شد که شریعت عبارت است از مجموعه از قوانین در زمینه اعتقادات و رفتارهای انسان نسبت به خداوند و سایر انسان ها و طبیعت. روشن است که انسان های قبل از نوح (ع) نیز دارای روابط اجتماعی بوده اند اما در سطحی پایین تر، به همین خاطر نیازمند قانون و شریعت بوده اند. بنابراین هم دین به معنای تسلیم برای همه انبیاء الهی از آدم (ع) تا خاتم بوده است و هم به معنای قانون و برنامه الهی.

نکته دیگر اینکه اگر این فرض را قبول کنیم که پیامبران قبل از نوح (ع)، دارای شریعت نبودند بلکه کار به عقل معصومانه آنها واگذار شده بود، باز این مساله منافاتی ندارد که آنچه عقل پیامبر درک می کند و بر اساس آن قانون و آیین می داد، همان شریعت به شمار می آید. شریعت باید آسمانی باشد اعم از اینکه توسط وحی به پیامبر برسد، یا از طریق عقل ایشان افاضه شود.

بر اساس آنچه بیان شد می گوییم شریعت از لوازم نبوت به شمار می رود و ختم نبوت به معنای ختم شریعت است. بعد از پیامبر اکرم (ص) شریعت جدیدی از سوی خداوند نخواهد آمد.

آنچه بیان شد درباره حد و مرز خاتمیت نسبت به صفات انبیاء الهی بود. در جلسه آینده انشاء الله درباره وظایف انبیاء سخن گفته خواهد شد.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. سوره آل عمران، آیه 19 [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره آل عمران، آیه 85 [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره مائده، آیه 48 [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره جاثیه، آیه 18 [↑](#footnote-ref-4)
5. سوره حمد، آیه 4 [↑](#footnote-ref-5)
6. سوره مطففین، آیه 11 [↑](#footnote-ref-6)
7. سوره کافرون، آیه 6 [↑](#footnote-ref-7)
8. سوره زمر، آیه 11 [↑](#footnote-ref-8)
9. سوره زمر، آیه 2 [↑](#footnote-ref-9)
10. سوره آل عمران، آیه 19 [↑](#footnote-ref-10)
11. سوره بقره، آیه 132 [↑](#footnote-ref-11)
12. سوره بقره، آیه 133 [↑](#footnote-ref-12)
13. سوره یوسف، آیه 76 [↑](#footnote-ref-13)
14. سوره شوری، آیه 13 [↑](#footnote-ref-14)
15. سوره نسا، آیه 171 [↑](#footnote-ref-15)
16. سوره توبه، آیه 33 و با کمی تفاوت: سوره فتح، آیه 28، و سوره صف، آیه 9 [↑](#footnote-ref-16)
17. سوره توبه، آیه 122 [↑](#footnote-ref-17)
18. سوره مائده، آیه 3 [↑](#footnote-ref-18)
19. سوره حج، آیه 78 [↑](#footnote-ref-19)
20. سوره نصر، آیه 2 [↑](#footnote-ref-20)
21. المیزان، علامه طباطبایی، ج5، ص 351 [↑](#footnote-ref-21)